

الفضل العظیم بستی لکم ارقا، آتہ من ہذا الجود البین لعمركم ان صحاب موبہ آتہ تمطر علیکم

غیثاً معلنہ در اؤخذ قاطباً و البہاء علی کل من ثبت علی العہد و البیضاء تصراط المستقیم (ع) ترجمہ

ہو آتہ

ش جناب آقا علی آقا خوی جناب آقا محمد حسن خیاط علیہ بہاء آتہ

ہو الابی

۷۲

ایمذہ الکی ایغبد با کمال خجبت بحریر این نامہ پرداخت ریز اجواب شما تاخیر قناد این قصور بر

خطبارک

گردن اہل فتور است ریز از اجوم و شرور صلت نمیدہند کہ عبد البہاء یجواب نامہ اجتا برسد

ولی اینقدر بدان کہ دل و جان مشغول و مؤانس یاد و خاطر دوستانت آئی فراموش

نشہ ایہ (ع) بستہ شد

ہو آتہ

بر شد جناب آقا مصطفی علیہ بہاء

۱۱ بستہ

ہو آتہ

ایبندہ جال ابی شکر خدی قدیر اکہ در ملکوت عزیزش مذکوری و در انجمن دوستان
شیر و جی از نور عمان منور داری و مشامی از راسخہ ابقان معطر و این موببت مخصوص خوا
اہل بصیر از بشر قدر این عنایت را بدان و لہجاء علیک (ع غ) مت بدہ

ہوا اللہ

بوشر جناب مصطفیٰ علیہ بہاء اللہ الی

ہوا الابی

۷۴

یا من استغنی راسخۃ الوفاء اسمع ذآء من ینا جیک بروح و ریحان و قل تنی
و جہت و جی لمن دعانی الی ملکوتہ الابی و ذکرنی بآیۃ البکری و انطقتی بثناء بین

العالمین و ایدتی من ملکوت غیبہ و رزقتی مائدۃ اثبوت علی ایشاق (ع غ) مت بدہ

ہوا الابی

اکی تہی نہ انجیک و ابن عبدک نکات بذیل مہلاک و تثبت بحیل و لاک و قام

علی خدمت اجابگ ارب و فقه علی کل خیر فی ملک و کل خدمه فی جک و کل شغال

بذکرک انک انت الکریم اع ع ا مت بدید

هو الاهی

ایمنده حقیقی جمالقدم خلقت انسانی و خلقت رحمانی جناب شیخ نهایت رضا

در یک صحنه

منذیر از شما دارند که در خدمات امر و اجبای الهی نهایت اتمه دارند الیوم سرور حاکم نفس

بود که بخدمت یاران الهی پردازد و در عبودیت استان مقدس قیام نماید و عبودیت حق

عبودیت عبادش (ع ع) مت بدید

هو الله

جناب اقا علی اقا من اهل شین رفیق جناب شیخ سلمان علیه بآء الله اب

ما خطه نمایند

هو الله

۷۵

یا من تشرف بتمرین وجه بتراب القبة الهامیه در استبان حضرت یزدان حاضر

خط مبارک

کشتن

گشت در وی و نور ابان خاک پاک معطر نمودی و توجّه بملکوت کردی و بهشت بستان
 قدس شدی و در ظل سدره مبارکه درآمدی پس بغزنی ثابت و نیشی خالص و توجّه تام و نصرت
 و تعلق و تعلق توجّه ببار الهی نما و قبلی بدرگاه حضرت غیرتناهی تا موفقی بر خدمت امراته
 و عبودیت اجبارانه گردی اینست فضل عظیم وجود مبین و صراط مستقیم و نفعیم مقیم
 و موهبت رب العالمین رب ایدنا العبد علی الیقین و التّشبات فی عهدک یا
 مالک یوم التّلاق (ع ع) متبینه

۹

بواسطه جناب بشیر الهی و آقا میرزا جلال ابن جده زرقانی اجای الهی جناب شد بپای
 جناب حاجی محمد رضا خیاط مرحوم حاجی حسین خیاط جناب میرزا علی آقا جناب میرزا محمد
 ابن المرحوم آقا محمد حسن خیاط مرحوم آقا محمد حسن خیاط ضلع مرحوم حاجی حسین خیاط صاحب
 سلطان ضلع مرحوم آقا عبدالوهاب صفیه سلطان ضلع حاجی محمد رضا خیاط خانم
 ضلع مرحوم حاجی حسین کینه بی بی ضلع آقا علی آقا ابن مهدی ابوالقاسم خانم نصرت

صبیه شهیدی ابوتها سم خانم طلعت ضلع آقا محمد حسین خانم جمال و صبا یی مرحوم آقا محمد حسن

خانم حیات خانم طو سبیه
علیم و علین البهار الابی

هوائه

۷۶

ایثباتان برپیان جناب جلال نامهای مبارک شمارا نگاشته و نامرئی نام شما

در آن مذکور و ستاده چون تلاوت نمودم نهایت مسرت یافتم زیرا دلیل بر انجذاب قلوب

بود و انشراح صدور امجد نه رویا بنور محبت الله شمع انجمن و خویها از شدت لطافت

مانده کل کلشن این دلیل بر شمول فیض ابدیت و مواهب سردی شایان شکر است و

لایق صد هزار حمد و ثنا لله الله ان شاء الله و دودمان عمو از صهار است سرسند و درخشان

محبت الله پالیده ست و می پرست ای پروردگار این نفوس را ببارانده و سرست جامه

اشفته روی تواند و اوارد کوی تو و پویان سوی تو فضل و عنایت روادار و از قید دون خود

برهان بر محمد و پیمان ثابت بار و در امرت مستقیم کن و با این جبر در عبودیت استان بیک

و سیمینا و علیکم البهار الابی ای پروردگار بر فی از این نفوس بکوی تو شتافتند و سوی تو توجه

۶۶
نمودند و ضیوف تو گشتند آنچه نژاد بزرگواری و آموزگاری درگاهت را یگان کن و علیم

الہاء الابی (ع ع) ستہ

ہوائے

جناب حاجی ابوالقاسم جناب قاسم حسن جناب حاجی محمد رضا جناب حاجی حسین جناب
آقا محمد کریم جناب جعلی جناب آقا محمد جواد جناب آقا علی اکبر جناب آقا میرزا محمود جناب منوچہر
جناب حاجی عبداللہ جناب حاجی میرزا فضل اللہ جناب آقا میرزا عبدالحمید جناب میرزا علی رضا خان
جناب حاجی میرزا محمد شہار بناب قاسم اللہ جناب آقا میرزا جلال جناب قاسم حسین جناب
آقا غلامرضا جناب آقا میرزا اسد اللہ جناب محمد حسین علیم سب آتہ الابی ماحظہ نماید
جناب آقا داراب بیگ جناب آقا ملا مرز

ہوائے

۷۷

ای یاران روحانی در این عہد جلیل و قرن عظیم کہ آفتاب میثاق چون تیر عظیم آفاق از آسرا
ملکوت وجود را منور نموده و محیط اکبر امواج فیوضاتش از ملکوت ابی بساحل قلوب موصلا

و نسیم مغبرین و نسیم مشکین از ریاض الکی منتشر و اریاح فلاح از مهت غایت شتیج

و بشارت الهیه از انق اعلی متابع بید یاران ربانی و دوستان الکی بقوتی ملکوتی و قدرتی

جبروتی و عون الکی و صون ربانی و لسانی ناطق و علوی شامق و لفظاعی فائق و فیضی عظیم

و نوری بسین و جذبی شدید و ولهی لبس علیہ مزید مبعوث گردند چه که این اختاب بدرگاه الهیه

این شئون رحمانی لازم و این کتاب جمودیت آستان جمال با قیرا اجتلاب انظار رعیت

ناقنای واجب هر سیره که از فیض نیان رحمت نصیب برد بسته بسز و ختم گردد و هر شجره که از

عین الطاف بهره گرفت بسته تر و تازه شود و هر شکاة که از انوار جمال جهانی قوت باس کرد بسته

منور و مستفس گردد و این شئون بابہ الامتیار بین الابرار و الاشرار در جمیع قرون بوده و فریق فی التوحید

و فریق فی التبعیر پس حال باید درست بدانان حضرت یزدان زینم و بر عهد و پیمان محکم شویم

و بر صراط رحمن ثابت و مستقیم گردیم و بعون و عنایت جلال تقدیم بکوشیم و بجوشیم تا مراکز سوحات حیات

شویم و مطالع انوار توفیقات ربانیه بعروہ و وثقی مشک و تشبیه نموده جمیع بتمرا آصر در نشر

بر ان الله نبائیم و جمیع اوقات را وقف سطوع راکحه ریاض کبریا تا شرق و غرب مطلع آیت

۶۶
از حد گردد و جنوب و شمال مبعوض اسرار تغزید و جوه بنفشه رحمن زمین شود و صد و پهنوز

ایقان و آثار ظهور در کل مراتب وجود ظاهر و باهر شود و عالم ملکی این ملکوت گردد از وقت

جهان حنبت اهی شود (ع) ت س س

هو الای

حد برکت عالم حنبت

قدر علی اهل العزوس با سحان القدس ملک التصدیه و الفدیة الفراء الفصی التي خزیدة قیمیه بقیة

نوراء ته درناطها و منشأ و ناطقها و ثاقب کلمات المتشره المکنونه و الدرر المستنوده المحروته و

المثلیه یبغی ان یتفسر بنفس الرحمن اذا عسعس لیل الجبران و احاط جج تظلام و

عسق الحرام من فی الامکان تاته الحق ان الاء الاعلی یتباهی الیوم بنفس تقوم علی ذکره

ثناء و اعلاء کلمه الله و برمانه و الطارقه الله و سلطان و نشر نفحات قدسه التي اذا

قطرت منها الافاق و عادت الارواح الی حب الالاموات فیا بشری المخلصین و یا

عوا للجهنمین و یبایاً للعالمین و یا جذاً للمناشرین و یا نشرات نشر افان رفات و یا

ناله غیبت ذکر و ان لا یسل تصرنا و تبدل الی حفرة رحمانیه ان الله صلی بمشاهدة و جوه

نظره ناظره الی ربها یتقیه باوارها ملکوت الوجود من الغیب والشهود بما توجهت الی
شمس الہدی فی ملکوت الابی واشتعلت بنار اللہ الموقدة فی الشجرة المبارکة وفتحت
الانوار من اقتران العظم الذی غلب من افاق الالم وهو مشرق من فقه الاعلی و ملکوت الالہ
علی اہل الباء و السلام علی اتبع الہدی ع ع ع متہ جید

بواسطہ جناب آقا علی محمد

شیراز جناب آقا علی اکبر خادم علیہ بہاء اللہ الاسبی

ہو اللہ

۷۹

ای آوارہ حق اگر از خانمان دور و از خانمان مجبور و بیروسامان شدی ولی دنیا
حق امینی و در ملکوت ابی منزل و مآمنی این بیوت او ہن از بیت عنکبوتست ہر مہموی
مطلوبہ گردد و پناہ حق شرف قصور احمد تہ آن میور و غیر معصور و علیک التحیۃ و ثناء ع ع
بواسطہ حضرت قبان سدرہ مبارکہ جناب قاسم زانبرک علیہ بہاء اللہ
شیراز جناب آقا علی اکبر خیاط علیہ بہاء اللہ

ہو اللہ

ظلمات و مہموی

ایمده آئی احمد نه آگاهي گواهي که عبدالبارا مشاغل و غوائل خیر قنای موجود با وجود^{۸۰}
این ملاحظه نما که جان و دل چگونه بحبث یاران در امتزاز هست که جمیع کارها را گذارسته
بیاد تو پر د ختم و این نمیده را وسیله ساختم تا روح و روحان یابی و بفضل و همان حضرت
یزدان بر سرور و فرح بینزائی ذلک من فضل الله یوتیه من یشاء و الله ذو فضل
عظیم و علیک التحیة و الثناء ع ع ستمه

شیراز هوانه بواسطه افغان سدره مبارکه

جناب میرزا بزرگ جناب مهدی علی کبر خیاط علیه بآر الله الابه

هوانه

۸۱

ای خادم صادق جانفشان هر چه در خدمت یاران پشترکوشی کاس عنایت پشترنوشی
و آنچه بعبودیت شان پشترپردازی بالاتر پردازی زیرا این مبارق نظره آن حقیقت است و این
عجز و نیاز را بطله قربت ان بینار خدماتت مقبول و رحمت ممدوح و بندگی

خط کتاب و مهر مبارک

خط کتاب و مهر مبارک

۶۹
مشهور در درگاه رب و دود و عیك التیمه و آتش، ع ع سینه

هوانه

ش شاهزاده محب علی میرزا عده بهار آتیه الاهی

هوانه

۸۳

ای بنده الهی یکی از اجاب ذکر ترا در این سخن نمود و بتأیست نب گشود که بخت

دیکر

دلبر حقیقی گریبانی چاک دارد و بتجلی عرفان سینه چون آینه افلاک این سرگشته کوی الهی نیز

خامه برداشته و نامه نگاشته بلکه نسیمی از ریاض قلوب بوزد و مشام مشتاقانرا معطر

نماید پس ای طالب روی حق مشام مستعد نما آن بوی جانپور در دماغ آید و روح

جاست آره یابد و البهائ علیک ع ع سینه

هو الاهی

ش جناب شاهزاده محب علیه بهار آتیه الاهی

مرا خطه نمایند

ای محبت طلع انوار محبت را مراتب رابعه مذکور و مشهور اول محبت من الله الی العباد است
 ایة یحییهم شاهد این مطلب ثانی محبت من العبد الی الرب است و یحییونه دلیل این مقام
 ثالث من العبد الی العبد است آیه رحما یمینم محبت اینقال رابعا من الحق الی الحق است
 فاجبت ان اعرف ثبت این مال محبت مظهر نفسا ته و مطلع الهام هر چند من العبد
 الی العبد است ولی بحقیقت من الخلق الی الحق است چه که من اجبه فقد احبته پس چون
 انت دلالت بر محبت من هستی بعلی فی ملکوت الاسماء دارد امید که بانچه از لوازم این اسم
 مبارک و خالص این رسم مجلل است قیام نمائی و موفق کردی و آن هست بر فترت آتیه
 و غیرت در ثبوت و رسوخ بر عیاق آنه است و ابهار علیک و علی کل ثابت علی العبد

التقدیم ع ع ساجده

هو الله

مش خاب محبت علی میر علیه مبارک الله الاسبی

ای محبت بهار نور حقیقت چون در زجابه احدیت اشراق نمود عاشق و معشوق دست
 ده آغوش گشتند واحدیت حکمش جهان نافذ و قاطع که گوی معشوق بود نه عاشق یا عاشق بود
 نه معشوق و اسما و صفات و تشفیات و تعینات و نسب و اضافات شئون ذات
 بودند بخواشرف بکمال بساطت و وحدت و چون آن نور هویت در زجابه واحدیت
 جلوه فرمود اسما و صفات پدیدار گشت و صور علمیه الهی اعیان ممکنات نمودار گردید
 پس بکوش و جانفشانی کن و جهدنا و پریشانی تا حقیقت ناطقت و عین ثابت از
 مقام واحدیت بصحرائی دلگشای احدیت توجه نماید چه که سالک در مقام اکثریت بخت
 و قوت فناء از شئون حضرت بچون گردد و کلمه انا لله وانا الیه راجعون گوید وجود شود
 اوست و عبودیت مقام محمود او و انعدام محض غایت مقصود او پس تا توانی پایدار بمان
 استوار کن تا آزار گل بگلانی پی بری و از بیگلانی بیزارشوی و شب و روز که خدمت بر بند
 و بیان آیات بنات پردازی و کار جهانی بسازی و باهنگام ملکوت نغمه پرداز

شش شاه جناب م ح ب عیہ بہار اللہ الہی ملاحظہ نمایند

ہو الی ہے

۸۵

جہانگیر

ای محبت جلالہم و اہم اعظم ہیکل عالم چون بحقیقت نگری بشاہ شخص انسانیت یعنی
قالب جہانی و امر مبارک و آثار طہور اعظم مشابہ روح حیات در این جسم عظیم و متعنا طہیر کہ فریم
اگر جان و کبان باین جان کہ شئون و کمالات جانان و حضرت رحمن است زندہ نبود و باین نسبت
الہیہ تروتازہ نگشتہ بود حکم جسمیت داشت و سمت جیفہ و جد غیر متحرک لطف رو
کہ ہیکل عالم منظر فقرت و قوت جانست کہ این جسم در طیرانست ولی چون نشو و
کالبد از فیض جان بدر یجست تا مخرج در مرتب خلقت از لطفہ و حلقہ و مضغہ و کما
لحم و انشا خلق آخر و قبارک اللہ حسن انما یلقین نماید لہذا ہیکل عالم نیز از این روح
منعم در بدایت درجات خلقت است غنیب آثار بارہ فیض روح القدس الہیہ
در این ہیکل نورانی تجسمیست چہ نہانید کہ فتول میران و ابصار خیرہ نگران گردد پس بجان

دل بکوش که تو بمنزله گوش هوش گردی و بشایه نظر و بصیرت عالم اکبر شوی قوای اعظم حیات
باشی و شغای نجات از هتنام و خواص از غمات در یاقی اعظم صفت جمال قدم و داروی اکبر
ثبوت و استقامت برادر مبرم و معجون قوت و صحت ثبوت و در سوخ بر عهد و پیمان حضرت

رحمن است و الباء صلیک عبد الباء ع

سابقه

جناب محب علی میرزا

هو الاهی

یا من حی فواده بنجات محبت الله قد انشرح تصدور بزرگ فی هذا المخل المشهور و انعام
المبرور و المفضل المشهور و البیت المغمور فی هذا الیوم المشهور و سبطت اکف تضاعفة مبتداً
مبتداً الی الله ان یغیض علی حدائق کینونات احباء الرحمن غمام فضله الممداد و سحاب

جوده و الطافه فی هذا الاوان

سابقه

ع ع

جناب میرزا هدایت الله خان

خط میرزا

 $\wedge \vee$

۱۰۰

ہوا اس سبب

ہوا اس سبب

۷
خطبات

ای ای کشور عرفان آن یار مهربان اگر بیداراده پرده از رخ یاران حقیقتی خویش براندازد

و کشف عطاء فرماید آن خلیل دبران بینی که فتنه آفاقند و آشوب و ولولہ دو جهان

مطلع عالم از انوار جلالشان روشن است و مشارق و مغارب مکان از فیض کمالشان

کلزار و گلشن اگر باین موبت الایہ کہ در انجمن وجود رخ گشوده کماہی صفہ اہل عالم و اقصا

گردد خیل عاشقان بینی کف زمان پاکوبان تقرباً بکاه بستانند

۸۹ این بنده الهی تا توانی در هدایت خلق کوش و سعایت بوستان حق نماید غایت
در مرزعه آفاق تخم پاک افشاده و بسته این کشت و نشان حقیقت جهانرا بهشت نماید
و این تخم پاک از سر ازینت افلاک بجشد و اجای الهی در این جویبار آبیازد و آب فیض
حضرت پروردگار پس تا توانی ابیاری کن تا فیض حضرت باری کارگاری بجشد و نورانیت
بدجشد و بجاگنی علم افرازد و بنیان بیجاگنی براندازد محبت عمومی رخ بکشد و جهان
آئینه فیض یار مهربان شود و عید آفتاب و آفتاب ع ع

شیراز بوابطه حضرت فغان سدره مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ جناب حبیب الله
میرزا ابن محب علی میرزا علیه بآر الله

هو الله

۹۰ اینال باغ محبت الله نامه در نهایت روح و ریجان قرائت گردید و از مضمون
منهوم شد که خود را میجو ردای و محروم شمری و محزون مالی و منهوم هستی زندهار چنین گمان
زیرا

۷۶
 ریزا پرتو شمس حقیقت مشمول وبالطاف و عنایت ممدون غریق دریای الهی است و اسیر
 روی اندلبر بدیع الاوصاف فیض هدایت یافتی و فوز رحانیت جنتی و در ظل حضرت
 احدیت در آمدی جام سرشار محبت الله نوشیدی و دیده از ماسوی الله پوشیدی
 و صلوات شهد محبت الله چشیدی و با نچه فتها آرزوی صغیا بود رسیدی حال امینه راهرو
 جلا پیشتر دای پرتو شمس حقیقت پیشتر تاب و فزون تر جلوه نماید من در حق تو بدرگاه الهی عجز
 و زاری نمایم و الطاف پنهانیت جویم . جمیع یاران الهی را تحیت ابرع ابهی ابلاغ دارم
 تا توانی هدایت نفوس پرداز و در تحصیل علوم و فنون الهی بکوش و علیک البها باله

خ ع م ب م

شیراز بواسطه حضرت افان انا سید حسین امه الله الموقنه سکنه
 والده باقر حبیب با الله الی

هوانه

۹۱

ب الله الله قد اتمنی الورقة المائنه به بنک الله نکون المئنه یفعله راضیه بک مریه

خط کتاب و تکرار

لديه صابرة على البلاء ناطقة بالشنا، واني بلاء الله وراؤك عند ما ناجى ربي الغفور
 واطلب لوالدك التي رحبت الي الله ان يكرم مشوا ويدخلها في نزل كريم ويخلد
 في جنة النعيم ويشهح صدرنا بشهادة انوار اللقا في مشاهد الكبرياء وبلغني تحيتي الوافرة
 الى الله الله الباهر فاطم لبلي ثم التي كلمة التحية من قبل على الله الله الرضية رقية سلطان
 وكذا لك الله المنجذبه بهية ثم ضياء الله المترقي في جبر محبة الله ثم بلغني تحيتي وثنائي و
 اشتياقي الى رفيع الرفع المرنم في رياض المعاني لمجن ببيع زاده الله عرفانا وشغفه
 جا عليك التحية والشنا ع ع تحية

هو الله

شبهه از ورقه موقنه الله الله كينه يگم عليها بآ الله الاسب

هو الاسب

ای الله الله محرونة در اینجا که ان فانی بقا بجهة نفسی متمنع ومحال ومجال شبهه وانکار
 نه این کاس نصیب نفس واین صمود محنوم بر هر وجود کوب ساطع روح الهیته آفت

هکسان

کریم

۷۸
امکان افول نماید و این سراج و فاج البته از زجاج اکوان صعود نماید امریست محتمل
و حکیمست معلوم در این صورت دیری و نزدیکی را حکمی نه و جوانی و پیری را مدخلی نیست
علی الخصوص آن سراج بزجاج عالم با شافت و آن نجم باقی بقاشافت و آن غنچه
گلشن ابدی شکفت و آن آواره بوطن اصلی رفت چرا محزون و پریشانی و آشفته
و آلالان توجه بملکوت ابدی کن و تو تسلی بعبودت علی علی تسلی تام حاصل میشود و آنرا
قلب میترگردد و هفت آتیه اسباب راحت جان و آسوده گی میترگیرد

(ع ع) سبزه

والله عیال حبیبی

هو الاهی

۹۳

خطبہ

ربی و زجائی بده امته آمنت بک و بیاکت و بهلت بعصائب السفری سبک و
اشفاق جوار رحمانیات و تاق الی جبال وحدانیت ایرتب استقار حق لک

بفضک و هاک انک انت الکریم الرحیم

ع ع سبزه

الهی ذہ ورقہ خضرۃ فی رایش العرفان افضل علیہا من سحاب جہنم غیث لفضل
والاحسان لکن ریائتہ بیاہ الوجود بین اہل السجود یاذا الوجود والاتقان وتصبیح متحرکۃ بنائم
الروح والریحان فی جنتہ الرضوان (ع) تبسمہ

خط مبارک

ابن حاجی هو الابی

۹۵

اللهم یا الہی ۴ اعبد نسبتہ الی عبدک الذی طرد ونفی فی سبیلک الی ارض السودا
ونخل حبہ من شداہما تحرک التیزان حتی نجیۃ بفضلک ایتب ہذا ابنہ جلیۃ
احسانک ورایت اتقانک وسراج جہنم ونور مجتہدک وورد ریاض عرفانک
پن بریتانک وریحان حدیقۃ الایمان کب وبایک بین خلعت اکنت انت اکرم

خط مبارک ابن سراج در یک صومرا

ع ع تبسمہ

شیراز بواسطہ حضرت بشیر الہی جناب اقا میرزا ضیاء الدین

خادم مشرق الادکار علیہ بہا آتہ الابی

۹۶
ایمده حق نامہ شمارید مختصر جواب تحریر میگردد بدرگاہ احدیت تصرع و زاری شد که
آنچه نهایت آرزوی تست حصول یابد میسر گردد و قوه حافظه برقی نماید حضرت اعلیٰ راجع
له الفدا گاهی کدر و نبات میل میفرمودند ثنائیر متابعت نمایند و علیک بهاء الا بهی ع
شیراز بواسطه جناب فاطمه زهرا قصاب جناب آقا میرزا ضیاء الدین خادم مشرق
الاذکار علیک بهاء الا بهی

هوائے

۹۷
ایمده بهانامه شمارید اجمده خبر هدایت میرزا فرخ خان داشت که آن شاق
دلبر آفاق راه طلب پیمود تا بر منزل حقیقت پی برد و از نورانیت امر مبارک دیده روشن
نمود و از فیض ابدی ساحت خاطر را رنگ گلزار و چین کرد و نامہ الی مخصوص بایشان
مرقوم شد در جوشت برسانید و بتائش شمس حقیقت پردازید که بنور هدایت آفاق قلوب را
روشن نموده و باران دلیل ابن سبیلند و مادی بنظریق بوالده مهربان امه الله خدیجه و بار

هر پرور میرزا بها، اندین از قبل من تحت ابدع ابی برسان و علیک بها، انا ع

شیراز جناب میرزا فرخ خان علیه بها، الله الا بهی

هو الله

۹۸

ای فرخ الله احمد نه رضا فرخ نمودی و بنور هدایت روشن فرمودی سعادت کبری
یافتی و میمنت عظمی هستی دیده مشاهده آیات کبری نمود و گوش استماع ندای ملا اعلی
کرد دل بدلدار پیوست جان بجان رسید شایان هزار شکرانه هست و سزاوار نعمه و ترانه
پروردگار را آمرزگار ابوین فرخ از این جهان ناسوت بخلوت لاهوت شائقند و از این جهان
نیستی بنسای عالم هستی ابدی پرواز نمودند زاد و توشه ای ندارند صرفه و پیشه ای ندارند
توکل بر تو نمودند و بعتبه عالییه توبه کردند ای پروردگار بر بخل مؤمنان نشان منت گذار از
خطای آنان بگذر گناه بیا مرز پناه بده بیار گاه در آرز و در دریای عفو و غفران مستغرق فرما

تو ای غفور و تو ای ودود و تو ای رؤف و تو ای بخشنده

ذنوب و قصور ع ع

ت بهی

بواسطہ جناب زائر درویش روشن جناب ملا قنبر

ہوائے

۹۹

ایندہ حق جناب روشن درین انجمن بنور محبت اللہ مانند شمع روشن شد حال مرجعت بطن
یمناید از من خواست کہ نامہ لی تحریر نمایم و محبت قلبی روحانی تقریر کنم این بسی واضح کہ نو
جاذبہ ملکوت وجود این مفقود و جمیع یار از اراد محفل تجلی جمع نمود از یک شراق منوریم وار
اب نفخہ معطر از یک بحر سیرابیم و از یک حرارت پرتب و تاب در این صورت بیان لازم
یابست و واضح و نمایان بودالی کہ در ایستقل الان چہ بیجا نیست و اگر مطلع نیستی از خدا
خواہم کہ واقف گردی و حلیک التحیہ و لہ شفاء ع ع

سائے

ہوائے

شیراز

اسطہ حضرت افغان سدرہ مبارکہ جناب آقا میرزا بزرگ علیہ بہار آ آ آ جناب آقا میرزا آقا علیہ بہار آ آ آ

ہوائے

۱۰۰

ن انجذب بنباتات نہ قد موت آبات سگر نہ علی ہاک و شجاک و اجاب غامک اعلم

خطاتیب و مرزا کی

ان ربك ازيم سيشل لمطات عين رحمانه كل من اتى الله بقلب سليم ويجعله آية الله
 وراية اتقى وشهاباً ثاقباً في اوج العلى وشهاباً زخافاً في الافق الاعلى ولملك يلقى ان يدرك
 القلوب والارواح ويشفي النفوس من مرض الجهل والعى ويجعل سبباً لهذه العطية الكبرى ^{المنحة}
 العظمى معاينة الاجسام مستمداً من فيض الرحمن وثباتاً من السير العظام وتحقق لك ذلك
 اذا انجذبت الى الله انجذباً تبذل الروح للارواح والحيات للقلوب في عالم الاشباح
 وان كنت تحب التأييد العظيم والموقفية في هذا الامر بحجم تختل بهذه الاخلاق وهو ^{نقطة}
 والاشجذاب في الاشتغال والرافة والثبوت والاستقامة والقيام بعبادة الله اللهم يا
 ابد هذا الملك المتدلل بعقبه قد سكت سامية على حياء الارواح وشقاء الاجسام ونشر
 آثارك بين الورى وعلاء كلمة التقوى بقوة الهدى اكتب انت الكريم الغرير المهيمن
 المقتدر المحبوب اگر چنانچه در آن صفحات امر معيشت صعب وبقدر
 فاعتك كنات ننماید مجرد به نیت نشر نجات الله ببلاد دیگر عزیمت نیز جائز
 اید که الله وشتیدک وعلیک التحية والتشنا

شیراز جناب ضحیاء ازین دهم سابق سرور لاکو علیه بآ آله

هوانده

۱۰۱

خطاب و انجمنی بکار

ایثابت برپیان نامه مل خطه گردید عبارت بر حلاوت بود و دلالت بر استقامت مینمود
بامه آله خانم طلعت تحت برسان و بشارت بوهبت الکی ده تا سرور موفور یابد و کثیر
صبر و شکور ربانی شود از غیایات حضرت خفی الاطاف خواش آن مرز ش از برای میرزا
بهاالدین و میرزا آقا و امه آله خدیجه میام ایضا و نذ بیانند بهاالدین را صدر نشین بهشت برین
فرما و میرزا آقا را در ملکوت ابی بوهبت کبری سرافراز کن و مرقد امه آله خدیجه را در ریچک ملکوت
الکی کشا ای آرزوگار این چارگان را در جوار رحمت کبری مجاور و پناه ده و این ملتجین را بفر دوس برین
در آرزو مغفرت مبدول دار و فضل و عنایت ارزان کن توئی بخشنده و آمرزنده و مهربان و حسیک

الباء، الابی ۲۲ رمضان ۱۳۳۷ عبدالبهاء عباس

مت بدیه

هو الابی

جناب زاز حاجی سید علیه بآ آله الابی ملا خطه نمایند

ظہار

یا من اعظم قریبہ و اہی جوہرہ تملک فی امانک علیا حیث تشرف بالمتول مقام ہو محتلف الماکہ
من اللہ الاعلیٰ وغفرت وغفرت خذ وک بغبار ہو کل الابصار وشفاء عدا الارار وبرد لوعہ
الاصرار فی طوبیٰ لک من ہذا النقیض الدار ویا بشریٰ لک من ہذا الشرف الذی تفخر بہ من
اہل الانوار ارباب ہذا عبد توجہ الی ملکوت رحمتک و تثبت بحمل ربانیتک و تشرف بعبادۃ
المبارکہ ارباب جعلہ مشمولاً بمحطات عین رحمتک انت الکریم الکریم (ع ع)

امہ اتہ خانم طلعت علیہا بہار اتہ

ظہار

الہیٰ لک ان عبدک ہذا ترضیک بکل عجز وذل و انکسار مہلتہ الیک فی حقیات قوارا
رب و قضا علی ماتمتی وارض غنما وادہ ما علی الاستقامۃ علی کتاب انت الکریم الکریم

ورقه نمونه ضلع عبدالوهاب علیها بآاء الله الابی ملاحظه نمایند

هو الله

۱۰۴

ای نه الله هیچ دانی که کنیزی جمال مبارک را چه مقام است و چه درجه احترام قسم بروی تو
و خوی دوست که ناج و ناج ملکه های آفاقست و سراج رجا ج قلوب بانو های اعظم اینقد
و قیمت در ملکوت ابی مشهور گردد و این علویت در اقیانوس اعلی واضح شود و لبها علیک (ع ع) خط مبارک

هو الله

شیراز مناجات طلب مغفرت بجهت راجع ال ملکوت الوجود حاجی ربیع حنفی ط

هو الله

۱۰۵

رب ورجائی الی مع فرط غیبا و نور غیبات و کثرة ذنوبی اتضرع الی رحمة رحمانیک و
افزع الی فناء عتبه فردنیاک و اشفع لعیبدک الذی آمن بک و ایمانک و دخل فی مثل رایانک
و اک بنیام و یمانک رب اغفر ذنوبیات سدرت منه و اعف عنه ایمنیات و بدلت

باعتات والبه حلال العطاء، وارزقه الآلاء، وكشف عنه العطاء، وارزقه في مشهد الجبال بار

المتعال اكنات الرحمن (ع ع) سنة وید

بواسطه حضرت خدیب علیه بآء الله الابی

هو الله

جناب حاجی رحیل خاٹ علیہ بآء الله الابی

هو الابی

۱۰۶

ایبذہ منفس حق ارفصل جمال ہی کثر ملکوت بجمہ اجامیا لندا اتفاق سبب حصول برکت

ازیر اتفاق پس ناتوان معاونت یاران ناواعانت دوستان لن تالوا البر حتی تفقوا منا

تحتون معاونتی کہ در حق جناب میرزا عبدالغفار مجری داشتید بسیار محبوب و اگر ممکن باشد

کہ از مبرات بشمارید و در صورت عدم امکان احوال الی میرہ بسیار مقبول والہا

علیک

(ع ع) سنة وید

اخت حرم حاجی رجبلی علیہا بسم الله الاهی للاحظہ نمایند

هو ائنه

۱۰۷

ای ائنه تسک بعروہ و ثقی جو و تثبت بجل متین حضرت کبریا آن عروہ محکم و جل
و تثبت یشاق الہیست و پیمان حضرت رحمانی بسبب جان و وجدان تسک و تثبت ناما بتنام
انجذاب می ببارگاه قدس حضرت ب الارباب راه یابی و البہاء علیک (ع ع) سید

هو الاهی

۱۰۸

ای سرسرت جام الست اسکام غروبست و لیکن انوار صبح دی از مطلع افق ابھی ظاہر ہو
نظر بعالم بالا و ملکوت اعلیٰ کن طلوعی مشاہدہ کنی کہ غروب زپی ندارد و نہاری ملاحظہ نمائی کہ
لیسے در عقب نیاید جمیعش طلوع و اشراقست و ظہور و انوار چہ کہ شمس حقیقت
مقدس از طلوع و غروبست این طلوع و غروب نظر بعالم خلقت نہ
حق و البہاء علیک (ع ع) سید